

آیا تقصیر با یهودیان است؟!

از «دکتر عزیزاله سلیم پور»

نیس - فرانسه



شیرین عبادی پس از ورود به تهران

تأیید میکردند «در کشورهای مسلمان نیز زن باید آزاد باشد که در صورت تمایل بدون روسری از منزل بیرون برود» ولی متأسفانه این صحبت را نکردند. گر چه قبول دارم که ایشان به مسائلی مثل سنگسار زنان و قطع عضو صحبت کردند که روسری در مقابل آن مسئله

پیش افتاده ای بود ولی فکر کنم جایزه «نوبل» آنقدر مهم است که به ایشان این قدرت را میداد تا همین چیز «پیش پا افتاده» را نیز مطرح کنند و بهتر آن این بود که ایشان بدون روسری همانطور که در پاریس در کنفرانس مطبوعاتی ظاهر شدند وارد ایران شوند.

دلم میخواست از ایشان جسارتاً بپرسم: اگر شما در پاریس با سر باز کنفرانس مطبوعاتی دادید چرا در تهران سر خود را پوشانیدید؟ اگر روسری علامت احترام به اسلام است پس چرا در پاریس به اسلام بی احترامی کردید؟ و اگر موی آزاد علامت آزادی زن است چرا از فرصتی که جایزه نوبل به شما داده استفاده نکردید تا به میلیون ها زن ایرانی که چشم براه شما بودند با شهامت در مقابل ملاهای مرتجع علامتی از آزادی و آزادگی را تقدیم کنید؟



هر چه باشد این جایزه را از صدقه سر ما برنده شد، اینطور نیست؟

کاریکاتوری در روزنامه لوموند میگفت «شما جایزه نوبل را مدیون ملاها هستید». آیا شما خانم شیرین عبادی. این شوخی را جدی تلقی کرده و با این روسری خواسته اید دین

این مقاله را اکنون نزدیک به سه هفته است که نوشته ام ولی در فرستادنش تردید داشتم. نتیجه یک همه پرسی در اروپا که در جراید امروز بچاپ رسیده است مرا به فرستادن آن تشویق کرد. «۵۳ درصد از جواب دهندگان این همه پرسی در وهله اول اسرائیل را خطری برای صلح جهانی دانسته اند.»

۴ نوامبر ۲۰۰۳ - عزیزاله سلیم پور

در اتومبیلی در حال حرکت به رادیوگوش میکردم که شنیدم جایزه صلح «نوبل» به یک بانوی ایرانی اهداء شده است. در یک لحظه غرور سراسر وجودم را فرا گرفت و با تلفن دستی به بعضی از دوستان تلفن کردم، به آنها تبریک گفتم. از فردا روزنامه های «نیس»، «ماتن»، «فیگارو» و «لوموند» را با هم مقایسه میکردم تا ببینم کدامیک در باره «شیرین عبادی» زنی که بعد از سالها باعث شده بود دوباره نام ایران با افتخار سر زبانها بیفتد بهتر مینویسند. ارادتم به شیرین عبادی وقتی بیشتر شد که عکس او را در جراید دیدم و خنده چشمان خواهرم «پروانه» را در نگاهش یافتم. حتی موهای سرش را نیز بسان «پروانه» آرایش کرده بود و از اینکه بعنوان مظهری از زن ایرانی با موهای آزاد و روئی گشاده با خبرنگاران سخن میگفت بخود می بالیدم.

ولی... آری متأسفانه اینهمه خوشی و غرور «ولی» پیدا کرد؛ چرا که همزمان با پیروزی شیرین عبادی، جراید در مورد دو دختر زیبای فرانسوی «لیلا» ۱۸ ساله و «الما» ۱۶ ساله که قبول نکرده بودند بدون روسری اسلامی در سر کلاس حاضر شوند و به این علت از مدرسه اخراج شده بودند مقالات و تفسیرات زیادی نوشته بودند. ضمناً طبیعی بود که در این مورد نظر شیرین عبادی که مظهر آزادی زن مسلمان است را نیز بخواهند. ایشان فرمودند که زن باید آزاد باشد که اگر دلش میخواهد روسری سر کند و اگر مایل است با مایو به خیابان برود. البته حرف ایشان کاملاً صحیح است ولی صحت کلام ایشان بگوش مطبوع تر میآید اگر



دو خواهر ۱۸ و ۱۶ ساله لیلا و الما

موسویت و پیام مسیحانه او، اطرافیانش را سخت نگران کرد تا جایی که عده ای «بنی لوی» را به «منحرف کردن» ژان پل سارتر متهم کردند!

راستی بد نیست که نام خانوادگی دو خواهر روسری پوش و یک دنده را نیز بدانید: «لوی» بلی، درست خواندید! پدر این دو دختر آقای «لوران لوی» (Laurent Levy) نام دارد که در عین حال وکیل انجمن مبارزه با نژادپرستی و دوستی بین ملتها نیز میباشد! که این خود جای تفکر دارد.

خود را به آنها ادا کنید؟! در غیر اینصورت اگر از فرصتی که جایزه نوبل به شما میدهد برای خدمت به میلیونها هم میهن در بند و «پشت پرده اجباری» سخنی در این باره نگوئید، پس این جایزه «نوبل» به چه درد شما میخورد؟ جایزه نوبل پولش مهم نیست، جایزه نوبل به شما اجازه میدهد تا از پشت بلندگوئی، پیام و فریاد میلیونها انسانی که صدایشان خفه و دهانشان بسته شده است را بگوش جهانیان برسانید. به هر حال سابقه شما و نبرد شما در گذشته بما اجازه میدهد که به آینده امیدوار باشیم.

هنگامیکه این سطور را مینوشتم خبر درگذشتنویسنده و فیلسوف فرانسوی «بنی لوی» را که با نام مستعار «پی یر ویکتور» یکی از پایه گذاران و رهبران اولیه حزب کمونیست مائوئی در فرانسه بشمار میرفت و آخرین سکرتر خصوصی ژان پل سارتر بود در سن ۵۸ سالگی بگوشم رسید. بن لوی و «دانیل کهن بن دیت» دو نفر از مهمترین افراد در «انقلاب» ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه بودند.

«کهن بن دیت» اکنون نماینده «سبز» از آلمان در پارلمان اروپا است ولی «بنی لوی» که خود را منکر وجود خدا میدانست پس از مطالعه تورات و تلمود، حقیقت را در الهیات و خصوصاً در یهودیت یافت و کتابهای زیادی در مورد این «بازگشت» نوشت؛ از آن جمله «از مائو تا موسی». ولی در گفتارش از «موسی تا موسی از طریق مائو» سخن میگفت.

«بنی لوی» بخشی در دانشگاه «اورشلیم» بنام «لونیاس» فیلسوف دیگر و فقید فرانسوی تأسیس کرد و آخرین کتابش «یهودی بودن» در ماه نوامبر انتشار خواهد یافت. روزنامه ها، مجلات، رادیو تلویزیونها آنقدر در باره این فیلسوف معاصر داد سخن داده اند که در این مقال نمی گنجد و شاید روزی مقاله مخصوص در باره اش بنویسم؛ فقط این دو جمله را فعلاً از او به حضورتان تقدیم میکنم:

۱- اگر معنی زندگی فقط زندگی کردن است، زندگی ارزش زندگی کردن را ندارد.

۲- عبری را یاد بگیرید تا تورات و تلمود را با آن زبان بیاموزید و معنای واقعی آن را درک کنید.

«بنی لوی» از ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰ یعنی تا هنگام مرگ «ژان پل سارتر» سکرتر مخصوص او بود و افکار او چنان تأثیری بر روی ژان پل سارتر گذاشت که گرایش «ژان پل سارتر» به

Menora Electric
Fast, Efficient &
Reliable Service



منورا الکتریک

سرویس سریع، مطمئن و قابل اعتماد

تعمیر و سرویس تلویزیون، VCR،

جارو برقی و کولر

- سیم کشی و تعمیرات منازل و شرکتهای
- تعمیر و نصب پنکه های سقفی و لوستر
- نصب چراغهای اتوماتیک (timer) برای شبات

Tel: (516) 621-0907

Cel. (516) 456-1774